

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نگاهی اجمالی به جهت و ماده، انواع ضرورت
و امکان



- شنبه ۱۳ رجب ۱۴۱۵ / قم المقدسه
- هديه به وجود نازنين امير مؤمنان، امام علي عليه السلام

تعریف ماده و جهت

(منطق صدراپی، ص ۲۰۳)

- نسبت محمول به موضوع را کیف قضیه می نامند که در واقع و نفس الامر به یکی از سه صفت وجوب، امکان و امتناع متصف می شود.
- کیفیت نسبت محمول به موضوع در واقع و نفس الامر را «ماده یا عنصر» می نامند.
- اما مفهوم ذهنی کیفیت نسبت قضایا در ذهن، و لفظ دال بر کیفیت نسبت در قضایای لفظی را «جهت قضیه» می نامند.

تعداد مواد و جهات و رابطه آنها

منطق صدرايي، ص ۲۰۴، شرح منطق ج ۱ ص ۳۶۴.

- تعداد مواد منحصر در سه و تعداد جهت بیش از سه است. دوام، فعلیت و امکان عام نیز از جهات هستند.
- گاهی جهت قضیه مطابق با ماده و عنصر است و قطعاً صادق است.
- اما گاهی جهت با ماده مطابق نیست. اگر جهت بیان شده از نظر مفهوم عام تر از ماده بوده و با آن سازگار باشد، قضیه صادق است. اما اگر جهت از نظر مفهومی مابین با ماده و ناسازگار با آن باشد قضیه کاذب است.

جهات در فلسفه و منطق

(سرشت کلیت و ضرورت، ص ۲۲۲)

- جهات سه گانه هم در فلسفه مطرح است و هم در منطق. با تفاوت در تعمیم و تخصیص.
- وقتی در منطق از جهت بحث می شود، مقصود هر محمولی (اعم از وجود و غیر وجود) نسبت به هر موضوعی است. ولی در فلسفه خصوص محمولی که وجود است مورد نظر می باشد.
- پس در فلسفه بحث از جهات قضایای هلیه بسیطه می شود و در منطق بحث از جهات قضایا اعم از هلیه بسیطه و مرکبه است.

انواع ضرورت

۱. ازلیه



۲. ذاتیه



۳. وصفیه (مشروطه عامه)



۴. وقتیّه و منتشره



۵. ضرورت بشرط محمول

۱. ضرورت ازلیه

- در ضرورت ازلی، محمول برای موضوع ضروری است، بدون آنکه موضوع مقید به قیدی شده باشد، حتی مقید به قید موضوع هم نیست.

- این نوع ضرورت اختصاص به خداوند متعال دارد که اگر وجود یا اوصاف او را بر ذات منزهش حمل کنیم، با یک حمل ازلی روبرو خواهیم بود.

۲. ضرورت ذاتیه

- در ضرورت ذاتی، محمول مادامی که ذات موضوع موجود باشد، برای موضوع ضروری است.
- مانند: هر انسانی حیوان است بالضرورة.

شعب ضرورت ذاتیه

شرح منطق، ج ۱، ص ۳۶۶

۱. موجبه: ثبوت محمول برای موضوع ضرورت مادام الذات دارد.
مانند: كل انسان حيوان بالضرورة الذاتية.

۲. سالبه: سلب محمول از موضوع، ضرورت مادام الذات دارد و ثبوت آن مستحيل است.

مانند: لاشيء من الإنسان بشجر بالضرورة.

۳. ضرورت وصفیه (مشروطه عامه)

• در ضرورت وصفی، محمول برای ذات موضوع ضروری است، مشروط بر اینکه موضوع دارای وصف عنوانی باشد.

- مانند: هر کاتبی متحرک الأصابع است بالضرورة مادامی که کاتب است.
- هر چند حرکت انگشتان صرف نظر از وصف کتابت برای انسان ضروری نیست، ولی با وجود وصف کتابت ضروری می شود.

شعب و مثال های آن

- ۱. موجبه: ثبوت محمول برای موضوع ضرورت وصفیه و مادام الوصف عنوانی دارد؛
- مانند: کل ماش متحرک بالضرورة مادام ماشیا.
- ۲. سالبه: سلب محمول از موضوع ضرورت وصفیه دارد.
- مانند: لا شیء من الماشی بساکن بالضرورة الوصفیه مادام ماشیا.

نسبت مشروطه عامه با ضروریه مطلقه

شرح منطق، ج ۱، ص ۳۶۸

- نسبت آنها عام و خاص مطلق است.
- یعنی ضروریه مطلقه اخص و مشروطه عامه اعم مطلق است.
- زیرا هر جا ضرورت مادام الذات بود، البته ضرورت مادام الوصف هم هست اما ممکن است در موردی ضرورت مادام الوصف باشد (مانند تحرک برای ماشی) ولی ضرورت مادام الذات نباشد، پس مشروطه از مطلقه اعم است.

۴. ضرورت وقتیّه (و منتشره)

- در این نوع ضرورت، محمول برای موضوع در وقت خاص معین یا غیر معینی ضرورت دارد.
- مانند: کل قمر منخسف بالضرورة وقت حیلولة الأرض بینة و بین الشمس.
- مانند: هر انسانی متنفس است بالضرورة.
- در این مورد تنفس برای انسان به طور مطلق ضرورت ندارد به گونه ای که حتی در پاره ای از زمان ها نتوان تنفس را از او سلب کرد، ولی در عین حال، انسان نمی تواند بدون تنفس موجود باشد. پس در برخی زمان ها تنفس برای او ضروری است، اما آن وقت معین نیست.

۵. ضرورت بشرط محمول

- ضرورت به شرط محمول، همان ضرورت ثبوت محمول برای موضوع بشرط ثبوت محمول و ضرورت سلب محمول از موضوع بشرط سلب محمول است.

نکته مهم

• ضرورت بشرط محمول نسبت به قضایای ضروری دیگر از جهتی اخص است، زیرا ضرورت های ذاتی و وصفی و حتی ضرورت های حینی - خواه وجوبی باشد یا امتناعی - شامل قضایای موجب و سالبه می شوند و ضرورت به شرط محمول از نوع وجوب، شامل قضایای سالبه نمی شود و از نوع امتناع شامل قضایای موجب نمی شود.

- ولی از جهت دیگر ضرورت بشرط محمول اعم از سایر ضرورت هاست.
- چون شامل تمام قضایای فعلی غیر ضروری می شود. البته ضرورت بشرط محمول شامل قضایای امکانی صرف نمی شود. پس در قضایای ممکنه - چه به امکان عام و یا به امکان خاص - ضرورت به شرط محمول فرض ندارد.
- مگر آنکه محمول امکانی برای موضوع محقق شده باشد که در این صورت ما با یک قضیه فعلیه مواجه هستیم نه با یک قضیه امکانی صرف.

فرق ضرورت ازلیه و ضرورت ذاتیه

سرشت کلیت و ضرورت، ص ۲۲۷

- موضوع در ضرورت ازلی حتی به طور ظرفی، مقید به وجود نیست، زیرا موضوع در ضرورت ازلی عدم را نمی پذیرد.
- اما ضرورت ذاتی می تواند موضوع عدم را بپذیرد، به همین سبب حمل محمول در ضرورت ازلی به طور اطلاق صحیح است.
- شیخ الرئیس در اشارات از ضرورت ازلی به ضرورت مطلقه تعبیر می کند.
- بنابراین می توانیم بگوییم که در ضرورت ازلیه، موضوع قضیه امری ضروری است و در ضرورت ذاتیه، موضوع امری امکانی است و امکانی بودن موضوع ضروری به ضروری بودن آن نمی زند.

فرق ضرورت ذاتیه و ضرورت وصفیه

سرشت کلیت و ضرورت، ص ۲۲۶

- موضوع در ضرورت های غیر ازلی، به طور عام مقید به وجود است. یعنی تا موضوع موجود نباشد محمول برای موضوع ضرورت پیدا نمی کند، اما در ضرورت ذاتی غیر از وجود، به هیچ شرط دیگری نیاز نیست.
- وجود در ضرورت ذاتی به صورت ظرف است و قضیه مشروط به وجود نیست، برخلاف مشروطه عامه که وصف عنوانی، قید و شرط موضوع است.
- به عبارت دیگر، در ضرورت ذاتی، ماهیت را بدون وجود و عدم لحاظ کرده و آن را موضوع قرار می دهیم. پس گفته اند که در ضرورت ذاتی وجود به صورت ظرفی در قضیه اخذ می شود و نه به طور وصفی.

انواع امکان

۱. امکان عام



۲. امکان خاص



۳. امکان اخص



۴. امکان استقبالی



۵. امکان استعدادی



۶. امکان وقوعی



۷. امکان فقری

امکان عام

- پیش از آنکه دانشمندان علوم عقلی، امکان را به معنای سلب ضرورتین به کار برند، امکان در بین عامه مردم به معنای «سلب ضرورت از جانب مخالف» به کار می رفت.

امکان عاھ در قضایای موجبه

- «نویسنده ممکن است انگشتانش در حرکت باشد».
- متحرک نبودن انگشتان برای نویسنده [جانب مخالف] ضروری نبوده است که می شود متحرک بودن انگشتان را برای او حمل کرد.
- در حالی که در نفس الامر حرکت انگشتان برای او ضروری است. اما در قضیه به این ضرورت اشاره نشده است.
- «انسان ممکن است انگشتانش در حرکت باشد»
- متحرک نبودن انگشتان برای انسان [جانب مخالف] ضروری نبوده است که می شود متحرک بودن انگشتان را بر انسان حمل کرد.
- در حالی که در نفس الامر حرکت انگشتان برای انسان ممکن است. اما در قضیه به این امکان اشاره نشده است.

امکان عام در قضایای سالبه

- «نویسنده ممکن است انگشتانش متحرک نباشد»
- تحرک انگشتان برای نویسنده [جانب مخالف] ضرورت نداشته است که عدم تحرک بر او حمل شده است.
- هر چند عدم تحرک انگشتان برای نویسنده ممتنع است اما در قضیه به این امتناع اشاره نشده است.
- «انسان ممکن است انگشتانش متحرک نباشد»
- تحرک انگشتان برای انسان [جانب مخالف] ضرورت نداشته است که عدم تحرک بر انسان حمل شده است.
- هر چند عدم تحرک انگشتان برای انسان امکانی است اما در قضیه به این امکان اشاره نشده است.

نتیجه

- امکان در قضایای موجبه دو مصداق دارد: ماده قضیه وجوب است یا امکان.
- امکان در قضایای سالبه نیز دو مصداق دارد: موردی که ثبوت محمول برای موضوع ممتنع است، و دیگر موردی که ماده قضیه امکان به معنای سلب ضرورتین است.

امکان خاص

- اگر چه معنای نخستین امکان، همان سلب ضرورت از جانب مخالف بوده است ولی حکما آن را به معنای سلب ضرورت از جانب موافق و مخالف نقل دادند و آن را امکان خاص و خاصی نامیدند، همان گونه که امکان به معنای نخستینش را امکان عام و عامی نامیدند.

امکان اخص

- گاهی از اطلاق امکان، سلب ضرورت های ذاتی، وصفی، وقتی اراده می شود.

- این معنای از امکان، اخص از امکان خاص است.

- زیرا در امکان خاص تنها ضرورت ذاتی را سلب می کند، ولی در امکان اخص ضرورت وصفی و وقتی نیز سلب می شود و با آن جمع نمی شود.

- مثال: «انسان ممکن است نویسنده باشد».

- در اینجا نویسنده بودن برای انسان ضرورت ندارد. نه برای ذات آن، و نه اینکه وصف و وقتی در آن اخذ شده است که باعث ضرورت شود.

چند مثال دیگر

منطق صدرايي، ص ۲۱۵

• ضحك برای انسان که نه ضرورت ذاتی ندارد و نه ضرورت وصفی و نه ضرورت وقتی.

• اما:

• خسوف برای ماه در هنگام حائل شدن زمین بین او و خورشید که ضرورت وقتی دارد.

• حرکت دست برای ذات کاتب با وصف کتابت برای ذات کاتب ضرورت وصفی دارد.

• نطق برای انسان ضرورت ذاتی دارد.

امکان استقبالی

- گاهی هدف از اطلاق امکان، سلب همه ضرورت‌ها حتی سلب ضرورت به شرط محمول است. یعنی چه بسا زید اکنون در بیرون ایستاده است، در این حالت «زید بالضروره ایستاده است». این ضرورت با توجه به وضعیت کنونی اوست. اما امکان استقبالی اختصاص به امور آینده دارد که چون ایجاب و سلب در آنها هنوز تعیین نیافته است، لذا تمام اقسام ضرورت هم در جانب ایجاب و هم در جانب سلب، سلب می‌شود.

مثال

- اگر سؤال شود آیا زید یک ساعت بعد ایستاده است؟
- باید گفت زید یک ساعت بعد ممکن است ایستاده باشد. این امکان استقبالی است و بیان کننده آن است که ایستاده بودن اثباتا و نفیا برای زید در یک ساعت بعد هیچ ضرورتی ندارد، حتی ضرورت به شرط محمول. زیرا یک ساعت بعد هنوز نیامده است و معلوم نیست زید در ساعت بعد چه وضعیتی دارد.

نکته مهم

- اعتبار امکان استقبالی مبتنی بر یک دیدگاه ساده و عامیانه است، چرا که مردم عادی به دلیل عدم احاطه بر علل و اسباب، از وقوع و عدم وقوع حوادث آینده بی اطلاعند. و گرنه هر شیء مفروض در ظرف خودش یا موجود است و یا معدوم.
- پس این امکان جایگاهی در نفس الامر ندارد.

امکان استعدادی

- گاهی مراد از امکان، حالت آمادگی شیء برای پذیرش فعلیت جدید است.
- امکان استعدادی یک وصف وجودی است و از کیفیاتی است که قائم به ماده می باشد.
- ماده به واسطه این استعداد، قابلیت می یابد که فعلیات گوناگونی را بپذیرد.
- مثال: دانه گندم استعداد تبدیل شدن به بوته گندم را دارد.

مقایسه امکان استعدادی و امکان خاص

• امکان استعدادی:

۱. صفتی وجودی است و قابل شدت و ضعف است.
۲. موضوع امکان استعدادی ماده موجود است.
۳. امکان استعدادی با تحقق یافتن مستعد له از بین می رود.

• امکان خاص

۱. یک معنای عقلی است و متصف به شدت و ضعف نمی شود.
۲. موضوعش ماهیتی است که فی نفسها لحاظ شده است.
۳. هرگز از ماهیت جدا نمی شود، چه ماهیت موجود باشد یا معدوم.

امکان وقوعی

- مراد از این امکان آن است که شیء به گونه ای است که از فرض وقوعش محالی لازم نمی آید.
- امکان وقوعی در برابر امتناع وقوعی است و بیانگر آن است که شیء نه تنها امکان ذاتی دارد و ذاتش ممتنع نیست، بلکه تحقق و وقوعش نیز محال نیست. یعنی محذوری بر وقوعش مترتب نمی شود.
- به عبارت دیگر؛ امکان وقوعی هم امتناع بالذات را سلب می کند و هم امتناع بالغیر را.

امکان فقری

• گاهی منظور از امکان، تعلق و وابستگی وجود معلولی به وجود علی، و خاصیت فقر ذاتی وجود امکانی و وابستگی اش به وجود واجبی (جل و علا) می باشد.

• این اصطلاح امکان فقری و امکان وجودی نامیده می شود که در برابر امکان ماهوی است.

منابع

- نهاية الحكمة علامه طباطبایی. (با شرح استاد شیروانی)
- سرشت کلیت و ضرورت استاد سلیمانی.
- منطق صدرایی استاد سلیمانی.
- شرح منطق استاد علی محمدی خراسانی.

• تدوین: عبدالرضا بختیاروند

• اردیبهشت ۱۳۹۴